

مصحف سن پترزبورگ و جایگاه آن در مطالعات تاریخ قرآن کریم

مرتضی توکلی^۱

مجتبی محمدی آنویق^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۱

چکیده

قرآن پژوه روسی، افیم رضوان، در حدود نیمی از یک مصحف کهن قرآن را بازسازی کرده، و پیدایی آن را به بازه زمانی ۱۵۸-۳۸۵ق بازگردانده؛ مصحفی که عمده بقایایش در سن پترزبورگ روسیه یافت شده، و به این شهر منتسب است. می‌خواهیم در این مطالعه نخست پیشینه مصحف یادشده و مطالعاتی را که در باره آن صورت گرفته، و کم‌تر در فضای آکادمیک ایران شناخته شده است، مرور کنیم. در مرحله بعد، ویژگی‌های رسم آن را با رسم مصحف عثمانی مقایسه خواهیم کرد تا شاخصه‌هایش را همچون مصحفی کهن دریابیم. به این منظور، آراء ابوعمر و دانی و ابوداود مقرئ را مبنای شناخت رسم عثمانی قرار می‌دهیم و شیوه رسم این مصحف را از حیث میزان تطابق با رأی آن‌ها بازمی‌کاویم تا معلوم شود این مصحف به مثابه نسخه‌ای کهن، چه اندازه با رسم عثمانی مطابق است؛ کوششی که اگر با مطالعات مشابه همراه شود، می‌تواند به شناخت بهتر پیشینه رسم عثمانی بینجامد؛ رسم الخطی که سابقه‌اش را به عصر صحابه بازمی‌گردانند. سرآخر، با اهدافی مشابه، مروری نیز خواهیم داشت بر میزان تطابق مصحف سن پترزبورگ با قرائات مشهور؛ همچنان که علائم غدّ الآی و تقسیمات آیات را نیز در آن بازخواهیم شناخت.

کلید واژه‌ها: مصحف سن پترزبورگ، نسخه کته‌لنگر، نسخه بخارا، نسخه تاشکند، رسم المصحف.

^۱ . گروه مطالعات قرآن، مرکز طبع و نشر قرآن کریم، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

(mmohammadia@ut.ac.ir)

^۲ . گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

از جمله دانش‌هایی که در فرهنگ اسلامی پایه‌پای شکل‌گیری علم قرائات برای خدمت به قرآن کریم و حفظ آن شکل گرفت، علم رسم المصحف بود. همچنان که در علم قرائات از کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلافات در نقلشان بحث می‌شود، رسم المصحف نیز دانش بحث در باره شیوه نگارش کلمات قرآن کریم است. عالمان رسم المصحف می‌خواهند با استناد به منقولات صحابه و تابعین و استدلالات و شواهد ادبی در باره رسم الخط قرآن کریم بحث کنند و از شیوه نگارشی دفاع نمایند که از نگاه ایشان صحابه در عصر عثمان خلیفه سوم بر اساس آن مصاحف امصار را نوشتند؛ شیوه‌ای که از دید این عالمان ریشه در آموزش‌های پیامبر اکرم (ص) به صحابه دارد، کاربردش نیز برای نگارش قرآن، از صدر اسلام رایج بوده، و از دوران عثمان رسمیت یافته است (رک: غانم، ۱۴۳۳ق، ۲۶؛ ضیاع، ۱۴۲۰ق، ۲۰؛ فرماوی، ۱۳۹۷ق، ۱۵).

عالمان مسلمان آثار فراوانی در باره رسم المصحف نوشته، و در خلال آن‌ها کوشیده‌اند رسم الخط مصحف عثمانی را بازشناسی، توجیه و تبیین کنند (برای فهرستی از این آثار، رک: مستفید و توکلی، ۱۳۹۶، ۲۱ب). اهم این آثار، *المُفْنِعُ فِي رَسْمِ مَصَاحِفِ الْأَمْصَارِ* تألیف ابوعمر و دانی (۳۷۱-۴۴۴ق) — عالم بزرگ قرائات در اندلس (برای وی، رک: لسانی، سراسر مقاله) — و *مُخْتَصَرُ التَّبْيِينِ لِهَجَاءِ التَّنْزِيلِ* اثر ابوداود مَقْرِي (۴۱۳-۴۹۶ق)، شاگرد او ست (برای ابوداود، رک: ذهبی، ۲۵۲؛ ابن جزری، *غایة النهایة*، ۱/ ۴۸۰). عالمان رسم المصحف در سده‌های متأخرتر، برای این دو اثر و مؤلفانشان اعتبار ویژه‌ای قائل شده‌اند؛ امری که سبب شده است برخی معاصران ابوعمر و دانی و ابن نجاح را «شیخین» لقب دهند (برای نمونه، رک: شعبان، ۱۴۳۳ق، ۹۵). در دوران معاصر نیز، در هر یک از کشورهای اسلامی که التزام و تقیدی بر مراعات رسم عثمانی وجود داشته، بسته به تشخیص عالمان این علم در آن کشور، یکی از این دو اثر یا هر دوی آن‌ها مبنا قرار گرفته است (برای نمونه از تصریح به این معنا، رک: حسینی، ۱۳۹۱ق، الف - ب).

از نگاهی تاریخی و انتقادی به علم رسم المصحف، جا دارد پرسیده شود که «آیا دانشوران این علم توانسته‌اند — چنان که ادعا دارند — با بهره‌جویی از روایات و منقولات به مصاحف عثمانی اصیل و نسخه‌های قرآنی متعلق به سده‌های نخستین اسلامی دست یابند و چگونگی رسم

آن‌ها را گزارش کنند؟». یک راه برای سنجش این مُدعا و پاسخ به پرسش فوق، مطالعهٔ مصاحف بازمانده از نخستین سده‌های اسلامی است؛ اسنادی زنده در بارهٔ شیوهٔ کهن رسمِ قرآن که کاوش در آن‌ها پیوندهای ناپیدا میان شیوه‌های متقدم و متأخر نگارش قرآن کریم را باز می‌تاباند و اثر قابل توجهی بر نظریه‌پردازیها در بارهٔ تاریخ علم رسم المصحف می‌گذارد. افزون بر این، موجب حصول درکی عمیق‌تر از تاریخ قرائات قرآن می‌شود. مثلاً، می‌توان با کاوش در مصاحف کهن اندیشید که رسم آن‌ها با کدام قرائات مشهور و غیر مشهور هم‌خوانی دارد، یا احیاناً چه ویژگی‌های فرهنگی، نگرشهای اعتقادی، و مبانی قرآن‌شناختی در آن‌ها بازتاب یافته است. فراتر از این، می‌تواند به درک بهتر تاریخ مباحثی از علوم قرآن یاری رساند که با رسم المصحف پیوندی وثیق دارند؛ مباحثی همچون تاریخ تقسیمات قرآن یا پیشینهٔ درج بسمله، نام سوره‌ها یا هر چه از این قبیل در مصاحف.

برای تحلیل رسم‌الخط مصاحف کهن، باید اول کهن‌ترین مصاحف بازمانده از سده‌های نخست هجری را بازبایم و با مطالعهٔ شاخصه‌های رسم‌الخطی آن‌ها تحولات رسم مصاحف را در گذر زمان مرور کنیم. مسلمانان از گذشته‌های دور مصاحفی را متعلق به سدهٔ نخست هجری می‌دانسته‌اند (برای مطالعهٔ یک نمونه از این مصاحف، رک: پاکتچی، ۱۳۷۰، ۶۱۵) و معمولاً با تقدیس به آن‌ها می‌نگریسته‌اند. برخی از این نسخه‌ها در بلاد مختلف به «مصحف عثمان» مشهور بوده‌اند؛ امری که سبب شده است انگیزه‌های دینی هم برای حفظ آن‌ها و انتقالشان به نسلهای بعدی وجود داشته باشد؛ آن‌سان که در حال حاضر نیز تعدادی از مصاحف منسوب به عثمان را می‌توان در بلاد مختلف بازشناخت (برای یادکرد نمونه‌ها، رک: آلتی قولاج، ۱۴۳۰ق، ۹۳ب).

از جملهٔ اینان، مصحفی است که بخش عمدهٔ بقایای آن در مؤسسهٔ شرق‌شناسی سن‌پترزبورگ روسیه نگهداری می‌شود. این مصحف ظاهراً در آسیای میانه رواج داشته، و به نام «مصحف عثمان» شناخته می‌شده است (Rezvan, 2008, 21). مصحف مزبور به انضمام بخش‌های دیگری از آن که در شهرهای کته‌لنگر، بخارا و تاشکند یافت شده است، حدود نیمی از آیات قرآن را دربر می‌گیرد و در دوران معاصر نزد پژوهشگران به «مصحف سن‌پترزبورگ» نام‌بردار است.

هر گاه انتساب مصحف سن پترزبورگ به سده‌های نخست هجری تأیید شود، مطالعه رسم آن و مقایسه‌اش با رسم مشهور مصحف عثمانی از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود. بر این پایه، جا دارد پرسید که اولاً، چه آگاهی‌هایی در خصوص پیشینه مصحف یادشده در اختیار است؛ ثانیاً، بر پایه برآوردهای کنونی چه اندازه انتساب آن به سده‌های نخست هجری پذیرفتنی است؛ ثالثاً، در مقایسه این مصحف با مصحف عثمانی رایج در میان مسلمانان، شاخصه‌های اصلی کنایت آن چیست و مطالعه رسم آن چه اثری می‌تواند بر فرضیات کنونی در زمینه تاریخ رسم الخط عثمانی رایج داشته باشد؛ و رابعاً، با مطالعه آن به چه آگاهی‌های جانبی دیگری می‌توان در باره تاریخ علوم قرآن دست یافت.

برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست پیشینه مصحف سن پترزبورگ را باز خواهیم شناخت و از مطالعاتی که در دوران معاصر بر آن صورت گرفته است، آگاه خواهیم شد. آن گاه، مهم‌ترین مباحث علم رسم المصحف و قواعد آن را مرور می‌کنیم. در ادامه، با مطالعه رسم مصحف سن پترزبورگ، میزان مطابقت آن با قواعد تثبیت‌شده رسم مصاحف را بازمی‌کاوییم. سرآخر، میزان تطابق مصحف سن پترزبورگ را با قرائات مشهور و شاذ خواهیم سنجید و نحوه شمارش آیات (عدّ الآی) این مصحف را با شمارشهای مشهور مُتَنَسَّب به بلاد مختلف حجازی، عراقی و شامی مقایسه خواهیم کرد.

۱. آشنایی با مصحف

مصحف سن پترزبورگ همان است که ولادیمیر پوتین — رئیس جمهور روسیه — در سفرش به ایران یک نسخه چاپ عکسی (فاکسیمیله) نفیس از آن را در دوم آذرماه ۱۳۹۴ ش به رهبر انقلاب اسلامی هدیه کرد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴). این مصحف در ۹۷ برگ پشت و رو در ۱۹۴ صفحه به خط حجازی نوشته شده است که از آیه ۱۷ سوره بقره آغاز، و به آیه ۱۲ سوره نوح ختم می‌شود؛ یعنی از دومین تا هفتاد و یکمین سوره قرآن را دربرمی‌گیرد. البته، این میزان از آیات به صورت پیوسته در مصحف مذکور وجود ندارد و حدود ۲۰ مورد افتادگی در بخش‌های مختلف متن دیده می‌شود. این مصحف که در کل حدود نیمی

از متن **قرآن** را دربر دارد، ۲۵ سوره را به صورت کامل، و ۲۰ سوره را نیز با افتادگیهایی در خود جای داده است.^۱

الف) چگونگی بازسازی مصحف کهن

نخستین بار در سال ۱۹۳۶م، ۱۳۱۵ش بود که این مصحف در اختیار محققان قرار گرفت. در این سال، شعبه سن پترزبورگ انجمن مطالعات شرقی روسیه، نسخه‌ای از یک مصحف کهن **قرآن** را از پیرزنی خریداری کرد که هیچ در باره گذشته اثر نمی‌گفت. این اثر به نسخه E₂₀ نام‌بردار شد (Rezvan, 1998). مطالعات بعدی سبب شد کمابیش محققان این مرکز دریابند نسخه E₂₀ مصحفی کهن است سیاه‌های از این مطالعات در (Rezvan, 1998) آمده است. با این حال، تا حدود ۶۰ سال پس از کشف نسخه، عملاً کانون توجهات علمی واقع نشد؛ یعنی تا وقتی که در سال ۱۹۹۸م، قرآن‌پژوه روسی، اِفیم رضوان، مقاله مفصلی درباره ویژگی‌های این نسخه نوشت و کوشید با استناد به ویژگی‌های رسم‌الخط آن، از این فرضیه دفاع کند که دستکم در سده ۲ق، حجم قابل توجهی از **قرآن** شکل رسمیت یافته و نهایی خود را بازیافته بوده است.

یک سال بعد، فرانسوا دروش^۲ محقق فرانسوی که به تصویر برگه‌های قرآنی کهن و بازمانده در مسجد روستای عرب‌نشین کته‌لنگر (در ۷۰ کیلومتری شهر سبز در ازبکستان) دست یافته بود، در مکاتبه با رضوان از لزوم مقایسه آن‌ها با نسخه E₂₀ گفت: رضوان خود به روستای کته‌لنگر سفر کرد و نسخه را دید. نتایج مطالعات بعدی سبب شد وی دریابد که هر دو نسخه سن پترزبورگ و کته‌لنگر متعلق به یک مصحف هستند؛ مصحفی که شاید از کهن‌ترین نسخه‌های **قرآن** باشد. در مکاتبات بعدی، دروش همان احتمال را در باره برگه‌های دیگری نیز مطرح کرد که در آکادمی علوم ازبکستان در تاشکند نگهداری می‌شدند. مطالعات رضوان نشان داد که این

۱. سوره‌های مائده، یونس، فرقان، قصص، لقمان، سجده، احزاب، سبأ، یس، صافات، ص، جاثیه، احقاف، محمد، فتح، حجرات، ق، ذاریات، طور، نجم، قمر، رحمن، واقعه، حدید و معارج در این مصحف کاملند و از سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، انعام، اعراف، انفال، توبه، هود، طه، نور، شعراء، نمل، عنکبوت، روم، فاطر، زمر، زخرف، دخان، مجادله و نوح نیز آیاتی سَقَط شده است.

2. François Déroche

برگه‌ها نیز متعلق به همان مصحف هستند. رضوان خود نیز در سالهای بعد، دو برگ دیگر از این مجموعه را نیز به دست آورد که در کتابخانه ابن سینای بخارا نگهداری می‌شد (آلتی‌قولاچ، ۱۴۳۰ق، ۱۴۸؛ نیز رک: Rezvan, 2000b, 49-53; Ibid, 2004, 32).

این‌گونه، مصحفی کهن بازسازی شد که از اوراق آن ۸۱ برگ متعلق به انجمن مطالعات شرقی سن‌پترزبورگ، ۱۲ برگ متعلق به نسخه کته‌لنگر، دو برگ متعلق به کتابخانه ابن سینای بخارا، یک برگ مربوط به انجمن مطالعات شرقی بیرونی تاشکند، و یک برگ دیگر نیز، مربوط به کتابخانه اداره امور مسلمانان تاشکند بود (آلتی‌قولاچ، ۱۴۳۰ق، ۱۴۹). رضوان با کنار هم نهادن این برگها، نسخه‌ای عکسی (فاکسیمیل) از این مصحف را در سال ۲۰۰۴م منتشر کرد.^۱

(ب) مکان نگارش آن

گرچه فروشنده نسخه E₂₀ به انجمن مطالعات شرقی سن‌پترزبورگ هیچ در باره نسخه‌ای که همراه آورده بود نگفت، محققان این مرکز توانستند بر پایه نشان‌ها و دست‌نوشته‌های روی نسخه ردی از آن پیدا کنند. آن‌ها دریافتند که این نسخه چندی در اروپا دست‌به‌دست شده، و سرآخر به دست یک سیاست‌مدار روسی افتاده که مدتی در کشورهای عربی خدمت می‌کرده است. بر این پایه، محتمل دانستند که نسخه از غرب جهان اسلام به روسیه راه یافته باشد (Rezvan, 1998, 32). با این حال، کشف دیگر برگه‌های قرآنی موجود در کته‌لنگر، بخارا و تاشکند حاکی از آن بود که به احتمال زیاد، این نسخه از طریق آسیای مرکزی به شهر سن‌پترزبورگ راه یافته، و مصحفی رایج در مناطق مسلمان‌نشین شوروی سابق بوده است.

به هر حال، آگاهی از این که نسخه در سده‌های متمادی چه مسیری را پشت سر گذاشته و در کجاها کار بسته می‌شده است، چندان کمکی به حل این مسئله نمی‌کند که شاخصه‌های رسم‌الخط و قرائات آن، بازتاباننده وضعیت رایج در کدام بومهای جهان اسلام است. از دیگر سو، بر پایه شواهد موجود، تعیین مکان دقیق نگارش مصحف سن‌پترزبورگ ناممکن به نظر می‌رسد. این مطلب

1. "The Qur'ān Of Uthmān" (St. Petersburg, Katta-Langar, Bukhara, Tashkent), ed. E. A. Rezvan, St. Petersburg, Centre for Oriental Studies, 2004.

نسخه سال ۲۰۰۴م به سران کشورهای مختلف اسلامی هدیه شد. در سال ۲۰۰۵م، چاپ نفیسی از همین نسخه به انجام رسید که مصحف اهدایی پوتین به رهبر انقلاب، یک نسخه از همان است.

البته در بارهٔ مصاحف دیگر هم صادق است؛ زیرا شواهد و مدارکی که مکان خلق این آثار را نشان دهد، حتی از مدارک تاریخ نگارش آن‌ها نیز نایاب‌تر است. افزون بر این، می‌دانیم که هم خوش‌نویسان و کاتبان **قرآن** سیال و درگردش بوده‌اند و نوشته‌هایشان هم در مناطق مختلف دست‌به‌دست می‌شده است (Déroche, 2014, 14).

(ب) تاریخ‌گذاری مصحف با آزمایش رادیوکربن

یکی از شیوه‌های تاریخ‌گذاری آثار کهن، از جمله نسخ خطی **قرآن**، تخمین میزان عمر این نسخه‌ها با استفاده از آزمایش رادیوکربن ۱۴ است. عنصر کربن دارای سه ایزوتوپ طبیعی است که دو مورد از آن‌ها (C-12 و C-13) پایدار، و دیگری (C-14) ناپایدار یا رادیواکتیو است. وجود ایزوتوپ رادیواکتیو کربن (که به آن ایزوتوپ «رادیوکربن» یا «کربن ۱۴» نیز گفته می‌شود) مبنای تاریخ‌گذاری آن دسته از آثار باستانی قرار گرفته است که زمانی موجود زنده بوده‌اند. هر گاه موجود زنده‌ای می‌میرد، کربنهای ۱۴ در اجزای بدن او شروع به واپاشی می‌کنند و رفته‌رفته تعداد آن‌ها کاهش می‌یابد. این‌گونه، می‌توان میزان عمر چنین اجسامی را با اندازه‌گیری میزان کربن ۱۴ موجود در آن برآورد کرد؛ زیرا می‌دانیم دانشمندان نیمه‌عمر کربن ۱۴ را ۵۷۰۰ سال برآورد کرده‌اند؛ یعنی ۵۷۰۰ سال طول می‌کشد که تعداد اتمهای این مادهٔ رادیواکتیو بعد از فروپاشی، به نصف میزان اولیهٔ خود برسد (Taylor, 1987, 1-3).

برای تاریخ‌گذاری آن دسته از مصاحف **قرآن** کریم نیز که بر پوست نوشته شده‌اند، می‌توان مقدار کربن ۱۴ موجود در پوست را اندازه‌گیری، و میزان عمر آن را با استفاده از محاسبات نیمه‌عمر کربن تخمین زد. این آزمایش روی مصاحف متعددی — از جمله نسخهٔ صنعا، نسخهٔ دانشگاه توپینگن، و نسخهٔ دانشگاه بیرمنگام — انجام شده است. با این حال، باید توجه داشت که آزمایش رادیوکربن به‌تنهایی نمی‌تواند عمر دقیق نسخه‌های خطی را مشخص کند و باید در کنار روش‌های دیگر به کار گرفته شود.

یادکرد این نکته نیز بایسته است که با این آزمایش، تنها می‌توان *قَدَمَتِ* پوست و کاغذِ کاربسته در نگارش **قرآن** را تخمین زد؛ نه *قَدَمَتِ* خط و تاریخ نگارش آن را. می‌دانیم در سده‌های نخست هجری و دوران کمبود و گرانی کاغذ، بارها نوشته‌های برخی پوست‌ها را پاک می‌کرده، و

دوباره روی آن‌ها می‌نوشته‌اند (علی، ۲۰۰۱م، ۱۵/۲۵۰). بر این پایه، نباید پنداشت که همواره عمر پوست یک مصحف، تاریخ نگارش آن را بازمی‌تاباند.

به هر روی، افیم رضوان خود آزمایش رادیوکربن را روی نسخه سن‌پترزبورگ در آزمایشگاههای کشور خود روسیه پی گرفت. وی بر پایه نتایج این آزمایش که در سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر نمود، مدعی شد که با اطمینان ۹۵٫۴ درصد می‌توان گفت که نسخه مذکور، متعلق به سالهای ۱۵۸-۳۸۵ق، ۷۷۵-۹۹۵م، یعنی دوران خلافت عباسیان است (Rezvan, 2000a).

پ) آزمونهای خط‌شناسانه مصحف

خط‌شناسی کهن^۱ از روش‌های مهم در تخمین عمر نسخه‌های خطی است. در این روش با تحلیل نوع و سبک خط به‌کاررفته در نسخه، زمان تقریبی نگارش آن تخمین زده می‌شود. رضوان کوشید این مصحف را با روش‌های خط‌شناسانه هم بیازماید و نتیجه را با دستاوردهای آزمایش رادیوکربن مقایسه کند.

مطالعات خط‌شناسانه نشان داد که مصحف سن‌پترزبورگ، به خط حجازی متأخر و به دست دو خطاط نوشته شده که هر خطاط، عهده‌دار نگارش حدود نیمی از این مجموعه بوده است (Rezvan, 1998, 24). نگارش اولیه متن قرآن را در این مصحف با مرکب قهوه‌ای انجام داده و در بازبینیها و بازخوانیهای بعدی از رنگهای قرمز و سبز نیز برای اصلاح متن یا اعمال تزیینات استفاده کرده‌اند. نیز، در گوشه برخی صفحات، عبارات قرآنی به خط نسخ در جهت ترمیم افتادگیهای متن قبلی افزوده شده است.

رضوان چنین استنباط کرد که با توجه به سبک خط مصحف، می‌توان آن را مربوط به دوره گذار از خط حجازی به خطوط متکامل‌تر بعدی دانست؛ یعنی خطوطی که در عصر عباسی رایج بوده‌اند و (Déroche, 2014, 34-39) به آن‌ها نام «سبک عباسی» داده است. بر پایه مطالعات او، هر دو دست‌خط به‌کاررفته در این مصحف با اشکال نخستین سبک‌های عباسی مطابقت دارند. البته، شواهد پیش‌گفته‌ای همچون ترمیمها و بازبینیها نشان از آن دارد که مصحف مزبور، دستکم دو یا سه بار پس از نگارش اولیه، بازخوانی و ویراسته شده است (Rezvan, 1998, 26). بر پایه

1. Paleography

مجموع این شواهد، وی چنین دریافت که تحلیل‌های خط‌شناسی تاریخ نسخه را به اواخر سده ۲ ق می‌رساند و این‌گونه، دستاوردهای تاریخ‌گذاری با نتایج آزمایش رادیوکربن تا حدی هم‌خوانی دارد (همانجا).

۲. تمایزات رسم المصحف با رسم الخط عربی

از آنجا که می‌خواهیم رسم مصحف سن پترزبورگ را با مصحف عثمانی رایج مقایسه کنیم و شاخصه‌های اصلی کتابت آن را دریابیم، باید نخست اهمّ موارد اختلاف رسم مصحف عثمانی با رسم الخط رایج عربی را از نگاه صاحب‌نظران علم رسم المصحف مرور نماییم؛ اختلافاتی که سبب اصلی عدول از رسم الخط رایج عربی و نگارش مصاحف بر پایه آن‌ها، ادله‌ای نقلی همچون منقولاتی از قُرّاء بزرگ یا اجماع عالمان است.

الف) حذف، زیادت و بدل

بر پایه آنچه عالمان رسم مصحف گفته‌اند، در نگارش کلمات مصحف سه پدیده هست که فراوان روی می‌دهد: حذف، زیادت و بدل. برخی حروف در نگارش برخی کلمات **قرآن** حذف می‌شوند. این حروف عبارت‌اند از: الف، یاء، واو، لام و نون. برای نمونه، می‌توان به حذف الف در اسماءِ اعجمی مانند اسماعیل و ابراهیم و نگارش آن‌ها به شکل اسمعیل و ابراهیم در جای‌جای **قرآن** کریم (برای نمونه، رک: بقره، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۳؛ آل عمران، ۳۳، ۶۵، ۶۷)، حذف یکی از دو یاء در کلمه النبیین و نگارش آن به صورت النبیین (برای نمونه، رک: بقره، ۶۱، ۱۷۷)، حذف واو در «ویدعُ الإنسان» (اسراء، ۱۱)، حذف لام در «اللیل» (برای نمونه، رک: بقره، ۱۶۴، ۱۸۷) و حذف نون در «تُنَجی المؤمنین» (انبیاء، ۸۸) و نگارش آن به صورت «نَجی المؤمنین» اشاره کرد.

زیادت آن است که برخی حروف در نگارش **قرآن**، به کلمات اضافه شوند. این حروف عبارتند از الف، واو و یاء. از نمونه‌های اعمال این قاعده می‌توان به زیادت الف در «لأذبحنه» (نمل، ۲۱)، زیادت واو در «سأوریکم» (اعراف، ۱۴۵؛ انبیاء، ۳۷) و زیادت یاء در «بأیید» (ذاریات، ۴۷) اشاره کرد.

بدل نیز به این معناست که حرفی به جای حرف دیگر نوشته شود؛ مثل نگارش الف به صورت واو در «صلوة» (نور، ۵۸) یا به صورت یاء در «أتیکم» (انعام، ۴۰، ۴۷، ۵۰). از همین قبیل است نگارش تاء تأنیث به صورت تاء کشیده، مثل «لَعْنَتُ اللّٰه» (آل عمران، ۶۱؛ نور، ۷)، نگارش

سین به صورت صاد، مثل «ببصط» (بقره، ۲۴۵) و نگارش نون تأکید به صورت الف تنوین دار، مانند «لَنْسَفَعًا» (علق، ۱۵؛ نیز، برای تفصیل بحث در این باره، رک: ضباع، ۱۴۲۰ق، ۲۴-۴۸، ۵۳، ۶۲-۶۵).

ب) نگارش همزه

نگارش همزه در زبان عربی با پیچیدگیهای بسیاری همراه است؛ به گونه‌ای که آن را در برخی موارد به صورت الف، گاه به صورت یاء و گاه نیز به صورت واو می‌نویسند. این پیچیدگی به طبع در نگارش مصاحف نیز حس می‌شده، و بحث عالمان رسم مصحف را به همراه داشته است. مشهور است که همزه را خلیل بن احمد (د ۱۷۰ق) ابداع و به رسم الخط عربی اضافه کرد (رک: سیوطی، ۱۳۹۴ق، ۴/۱۸۴) و پیش از آن، به کار نمی‌رفت؛ یعنی در مصحف عثمانی نیز نبود و قواعد نگارش آن هم به طبع در دوره‌ای بعد پدید آمد. باری، حتی اگر این فرض درست باشد و قواعد نگارش همزه مدتها بعد از وضع اصل آن نیز پدید آمده باشند، باز این قواعد بسیار کهن‌اند. این را می‌توان از تمایزات رسم همزه در مصحف با قواعد معمول رسم همزه نزد عالمان زبان عربی دریافت.

ضوابط نگارش همزه در مصحف نیز — همچون ضابطه رسمش نزد علمای عربی — بر اساس موقعیت همزه در کلام، و حرکت یا سکون آن بنا شده است. بخشی از قواعد رسم همزه در مصحف، عیناً همان است که در رسم الخط عربی رایج اعمال می‌شود. از این جمله، ضابطه نگارش همزه ساکن است. آن سان که عالمان رسم مصحف گفته‌اند، همزه ساکن معمولاً با کرسی نوشته می‌شود و کرسی آن هم حرفی متجانس با حرکت قبل است. مثلاً، می‌نویسیم: البأس، چثنا، المؤمنون (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۵۳-۵۵؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۵۷).

عمده قواعد رسم همزه متحرک در مصحف نیز، مشابه قواعد نگارش آن بر پایه رسم الخط رایج عربی است. از جمله، اگر همزه در ابتدای کلمه باشد، معمولاً به صورت الف نوشته می‌شود؛ مثلاً ابراهیم یا فبأی. اگر همزه در وسط کلمه بود، دو فرض متصور است: یا حرف پیشین متحرک است یا ساکن. اگر حرف پیشین متحرک بود، بسته به حرکت همزه و حرکت حرف پیشین، همزه روی حرف متجانس با حرکت قوی‌تر نوشته می‌شود. ترتیب حرکات از قوی به ضعیف چنین است: کسره، ضمه، فتحه، و سکون. بر این پایه، مثلاً باید همزه را در سُئِلَ بر کرسی یاء نوشت؛ چون یاء

متجانس با کسره — حرکت همزه در این کلمه — و حرکت همزه نیز، اقوی از حرکت حرف پیشین آن است. بر همین قیاس باید نوشت سَأَلَ، البَأْسَاءُ، الذَّبُّ، نَقْرُؤُهُ، و يُؤْفَكُونَ (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۶۲-۶۰؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۵۳/۲-۵۵).

قاعده کلی نگارش همزه متحرک در آخر کلمه نیز، فرقی با رسم رایج همزه در عربی ندارد. هر گاه یک همزه متحرک در آخر کلمه جای گرفت، معمولاً به صورت حرف متجانس با حرکت ماقبل نوشته می‌شود؛ مانند: بَدَأَ، مِنْ سَبَلٍ، تَتَبَّأُ؛ مگر حرف پیشینش ساکن باشد که در این فرض، بدون پایه نوشته می‌شود؛ مانند: مِلْءٌ، الحَبِّاءَ (رک: ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۲-۵۶؛ نیز مستفید و دیگران، ۱۳۸۵، ۴۷-۴۸).

تنها فرق مهم در نگارش همزه میان رسم مصحف عثمانی و رسم الخط رایج عربی را می‌توان در آنجا دید که همزه در وسط کلمه قرار گیرد و حرف پیش از همزه متحرک ساکن باشد. در این حالت، همزه را معمولاً درج نمی‌کنند؛ مثل: یَسْلُونُکَ (یس، ۲۱؛ محمد، ۳۶). از این که بگذریم، استثنائاتی نیز بر قواعد پیش گفته رسم همزه در مصحف یافت می‌شود. مثلاً، می‌توان از نگارش کلماتی مثل ابناء (مانده، ۱۸)، علماء (شعراء، ۱۹۷؛ فاطر، ۲۸) و بِنَبَّاءَ (قیامة، ۱۳) در رسم عثمانی یاد کرد که گاه با کرسی واو نوشته شده‌اند: ابْنُوا، عِلْمُوا و یَنْبِئُوا. مثال دیگر، کلمه رِءْیاً (مریم، ۷۴) است که بر پایه قواعد فوق، باید همزه ساکن آن با کرسی نوشته شود؛ اما بدون کرسی درج شده است (برای یادکرد نامنسجم همین موارد، رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۶۲-۵۹؛ ابوداود، ۹۳۸-۹۳۹؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۲-۵۶).

پ) تحمل لهجه‌های کهن و قرائات مختلف

یک تمایز مهم دیگر میان رسم عثمانی و رسم الخط رایج عربی، ویژگی‌های خاصی است که در آن برای تحمل لهجه‌های کهن و قرائات مختلف تعبیه شده است. برای نمونه، در مصحف عثمانی برخی کلمات که اغلب جدا از هم نوشته می‌شوند، به صورت متصل درج شده، و به‌عکس، گاه میان اجزای برخی کلمات نیز فاصله افتاده است. به نظر می‌رسد که این شیوه نگارش، بازتاب لهجه‌های رایج در دوران شکل‌گیری قرائات مختلف باشد (برای مطالعه موردی اثر لهجه مدنی بر جدانویسی واژه قرآنی «ال یاسین»، رک: چهری، ۱۳۹۴، ۱۵۰).

نمونه‌های اختلاف رسم عثمانی با رسم الخط معمول را می‌توان در تفاوت رسم ترکیبیهایی مثل اَمَ من، اَن لا، اِن لا، اِن لم، اَن لم، اَن لَن، اَن لَو، اِن ما، اِن لا، اِنَّ ما، اَنَّ ما، اِن ما، بئس ما، حیث ما، عَن ما، عَن مَن، فی ما، کَلَّ ما، کَی لا، مَن ما و لام جر مشاهده کرد. مثلاً، در شیوه رسم معمول خط عربی، اِن شرطیه جدا از لای نفی نوشته می‌شود؛ اما در مصحف عثمانی دو واژه متصل رسم شده‌اند: اِلَّا تَفْعَلُوهُ تَکُن فِئْتَةٌ فِی الْاَرْضِ وَفَسَادٌ کَبِیْرٌ (انفال، ۷۵). اینها تنها نمونه‌های اختلاف رسم عثمانی و رسم الخط عربی در فصل و وصل کلمات نیستند. از دیگر مثالهای فصل کلمات در قرآن می‌توان به «ال یاسین» (صافات، ۱۳۰)، و از مثالهای وصل نیز «یَبْنُوْم» (طه، ۹۴) را یاد کرد (برای تفصیل بحث، رک: ضیاع، ۱۴۲۰ق، ۶۶-۶۹).

برخی از دیگر تفاوت‌های رسم عثمانی با رسم الخط معمول عربی، به سبب انعطاف‌پذیری این رسم در برابر قرائات مختلف پدید آمده است. رسم المصحف با قرائات ارتباطی تنگاتنگ و متقابل دارد. اغلب اوقات نحوه رسم کلمه در نحوه قرائت آن دخیل است. بر این اساس، رسم مصحف را از حیث نسبتی که با قرائات مختلف دارد، می‌توان سه گونه دانست: نخست، مواردی است که عبارت چنان رسم شده است که دو یا چند قرائت مختلف بر آن قابل حمل باشد؛ مثل رسم «ملک» که می‌توانش مَلِک یا مَالِک خواند و هر یک با قرائاتی سازگار است (رک: ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، ۱۱). دوم، مواردی است که در عین اختلاف قراء بر سر لفظی، رسم مصحف تنها پذیرای یکی از آن قرائات مختلف است؛ مثل واژه صراط (حمد، ۶) یا یَبْصُط (بقره، ۲۴۵) که در مصحف با صاد ضبط شده است، اما برخی قراء به سین خوانده‌اند (رک: ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، ۲۷۱؛ همو، ج ۲، ۲۲۸). سرآخر، مواردی است که دو یا چند قرائت که برای هر کدام، یک وجه رسم نقل شده است. هر گاه چنین اختلافی میان قرائات باشد، رسم مصحف بر پایه هر کدامشان با دیگری تفاوت خواهد کرد. مثلاً، برخی قراء «وَلَا یَخَافُ» را در آیه ۱۵ سوره شمس، «فَلَا یَخَافُ» خوانده‌اند. به همین سبب، عبارت در مصاحف مطابق با قرائت نافع و ابوجعفر و ابن عامر (مصاحف مدینه و شام) با فاء، و در مصاحف مطابق با قرائت باقی قراء با واو نوشته می‌شود (رک: قاضی، بی‌تا، ۳۴۴).

۳. دسته‌بندی کلمات مصحف سن پترزبورگ از حیث رسم

بر پایه آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که میزان تطابق یک مصحف با رسم عثمانی، از منظر تاریخ رسم مصاحف و نیز، تاریخ قرائت معنادار است. پس می‌توانیم انتظار داشته باشیم که با مطالعه شیوه رسم کلمات در مصحف سن پترزبورگ، ضوابط رسم مصحف را در دوره‌ای متقدم بازشناسیم. اکنون در این مرحله بنا داریم چنین کنیم. به این منظور، با مقایسه شیوه رسم مصحف عثمانی با مصحف سن پترزبورگ، موارد تشابه یا تفاوت را نخست بازمی‌شناسیم و سپس تحلیل می‌کنیم. مُسْتَنَد ما نیز برای شناخت رسم عثمانی، گفتارهای ابوعمر و دانی و ابوداود مقری — شیخین علم رسم مصاحف — خواهد بود.

الف) کلمات هم‌خوان با رسم مصحف

هر گاه مانند متأخران، اتفاق نظر ابوعمر و دانی و ابوداود مقری را مبنای شناخت رسم مصحف عثمانی قرار دهیم، در حدود ۵۵ درصد از کلمات مصحف سن پترزبورگ، رسمی مشابه با مصحف عثمانی دیده می‌شود که خود را در حذفها، زیاده‌ها، ابدالها، شیوه نگارش همزه، و فصل و وصل کلمات بازمی‌نمایاند.

در سخن از حذفها، باید گفت که در مصحف سن پترزبورگ، فراوان می‌توان کلماتی را دید که به حذف الف نوشته شده‌اند و از این حیث، با گزارشها از رسم عثمانی مطابق‌اند؛ همچون جمعهای سالم در السموت، خلدین، یا المنلقین (برای وجوب حذف الف در این قبیل موارد در رسم عثمانی، رک: ابوعمرودانی، ۱۴۰۳ق، ۲۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ۳۰-۳۱)؛ یا همچون الف یاء نداء در کلماتی مثل یمرم و یموسی (برای وجوب حذفشان در رسم عثمانی، رک: ابوعمر و، ۱۴۰۳ق، ۱۶؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۱۰۰-۱۰۲)؛ یا همچون الف هاء تنبیه در هانتتم (محمد، ۳۸) که طبق نظر شیخین، الف آن باید حذف شود (رک: ابوعمر و، ۱۴۰۳ق، ۱۶؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۱۱۷)؛ یا همچون الف أسماء اعجمی مثل هرون، ابرهیم و اسمعیل که قاعده کلی رسم مصحف، حذف الف در آنها ست (رک: ابوعمر و، ۱۴۰۳ق، ۲۱؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۱۱۱-۱۱۳)، یا همچون مواردی نامضبوط مثل الف در الن (یونس، ۹۱) و أصحاب لئیکة (حجر، ۷۸؛ شعراء، ۱۷۶؛ ص، ۱۳؛ ق، ۱۴) که در اولی، که بر اساس قول شیخین الف حذف می‌شود (رک: ابوعمر و، ۱۴۰۳ق، ۱۸-۱۹؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۱۶۱-۱۶۲) و در دومی، از چهار مورد کاربردهای قرآنی آن، استعمالش در سوره حجر و ق به

اثبات الف و در شعراء و ص به حذف آن است (ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۲۱، ۹۱؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳/۷۶۴؛ همان، ۹۳۷/۴).

مواردی از حذف یاء نیز دیده می‌شود که البته این موارد، باز با رسم مصحف عثمانی تطابق دارد. از این جمله، می‌توان می‌توان حذف یاء النبیین را در آیه هفتم سوره احزاب مثال آورد: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ...» (برای ضرورت حذف آن از نگاه شیخین، رک: ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۴۹؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۵۰).

در سخن از نمونه‌های زیادت یک حرف، می‌توان زیادت الف مائه را در آیاتی مثل «وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ» (صافات، ۱۴۷) یاد کرد. شیخین اتفاق نظر دارند که باید واژه‌های مائة و مائتین را در سراسر قرآن به زیادت الف نوشت (رک: ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۴۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۳۰۲). زیادت حرف یاء در «نبأی» هم از همین قبیل است: «وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَأِ الْمُرْسَلِينَ» (انعام، ۳۴). ابوعمر و دانی و ابوداود هر دو تصریح می‌کنند که واژه «نبأی» در آیه مذکور، به زیادت یاء نوشته می‌شود (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۴۸-۴۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۳۶۹؛ همان، ۴۷۹/۳) و در مصحف سن‌پترزبورگ نیز عیناً همین رسم را می‌توان دید.

إبدال حروف در مصحف سن‌پترزبورگ نیز در بسیاری از موارد، مشابه همان است که در مصاحف عثمانی اتفاق می‌افتد؛ مواردی از قبیل إبدال الف به واو در الصلوة و الحیوة، إبدال الف به یاء در التوریه، آتیکم و نلظیرین إنلیه (احزاب، ۵۳)، و ابدال تاء مربوطه به تاء مبسوطه در کلماتی مثل رحمت یا بنعمت. در سخن از این دو مورد اخیر، باید گفت ابوعمر و دانی و ابوداود مقرر نقل کرده‌اند که در قرآن کریم هرچه واژه «رحمة» به کار رفته است، به صورت تاء مربوطه نوشته می‌شود؛ مگر در هفت مورد که نگارش آن‌ها با تاء مبسوطه است: بقره، ۲۱۸، اعراف، ۵۶، هود، ۷۳، مریم، ۲، روم، ۵۰، و دو مورد هم در زخرف، ۳۲ (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۷۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۲۶۸). در بخش‌های بازمانده از مصحف سن‌پترزبورگ، مراعات این ضابطه را می‌توان مشاهده کرد. در سخن از «بنعمت» نیز باید گفت ابوعمر و ابوداود گزارش کرده‌اند واژه «نعمت» در قرآن کریم، به غیر از ۱۱ مورد، همیشه با تاء مربوطه نوشته می‌شود (رک: ابوعمر و دانی،

۱۴۰۳ق، ۷۸-۷۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۲۷۰-۲۷۱). در بقایای مصحف سن پترزبورگ می‌توان مراعات این قاعده را نیز دید.

رسم همزه نیز در بسیاری از کلمات مصحف سن پترزبورگ، مطابق همانی است که در رسم مصحف مراعات می‌شود. این را می‌توان با مقایسه شماری از نگارش‌های همزه در هر دو مصحف دریافت که خلاف ضابطه معمول در رسم الخط عربی هستند. برای نمونه، همان طور که پیش‌تر گفته شد، اصل در همزه میان ماقبل ساکن آن است که بدون کرسی نوشته شود. این قاعده استثنائاتی دارد که یکی از آن‌ها همین کلمه «نَشَأَة» (عنکبوت، ۲۰) است. ابوعمر و دانی و ابوداود بیان کرده‌اند که در واژه مزبور، همزه را باید با کرسی الف نوشت (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۴۳؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۱۹۲-۱۹۴).

در نگارش‌های خلاف قاعده همزه‌های پایانی نیز، مشابهت‌های فراوانی می‌توان میان رسم عثمانی و رسم مصحف سن پترزبورگ دید. برای نمونه، در هر دو واژه يُنَشَأُ (زخرف، ۱۸) با واو و الف نوشته می‌شود که واو کرسی همزه و الف زائده است (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۵۵-۵۶، ۹۹-۱۰۱؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۷۸-۸۵)؛ یا مثلاً، واژه علماء (شعراء، ۱۹۷) به صورت عُلَمَوا نوشته می‌شود که با ضبط شیخین مطابق است (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۵۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۳/ ۶۳۷؛ همان، ۴/ ۹۳۸-۹۳۹). نمونه دیگر از همین قبیل، بلاء در آیه ۱۰۶ سوره صافات است که به صورت بَلَلُوا نوشته می‌شود (ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۵۸-۵۹؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۱۳۸). در نگارش‌های همزه بدون کرسی نیز، مشابهت‌هایی هست؛ مثل نگارش مسؤلاً در آیه ۱۶ سوره فرقان به صورت مَسْؤلاً بر پایه ضابطه‌ای شبیه آنچه برای بلاء گفته شد، یا نگارش اسرائیل به صورت اسرائیل (بقره، ۴۰، ۴۷، ۸۳) که بر اساس قول شیخین، اگر حرف بعد از همزه مکسوره یاء باشد، بدون کرسی نوشته می‌شود تا اجتماع یاءین پیش نیاید (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۶۱-۶۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۴۹-۴۸).

مشابهت‌ها در فصل و وصل کلمات نیز متعدد است. مثلاً، در مصحف سن پترزبورگ نیز عبارات و ترکیباتی مثل «فمال هولاء» به جای «فما لهؤلاء» (نساء، ۷۸)، لیلاً به جای «لأن لا» (نساء، ۱۶۵)، «إن ما» (انعام، ۱۳۴)؛ قس: ذاریات، ۵ که همین را متصل آورده‌اند، و «إل یاسین» به جای «الیاسین» را می‌توان دید. جدانویسی «فمال هولاء» را شیخین هر دو واجب دانسته‌اند (رک:

ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۷۶؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۴۰۶). ابوعمر و دانی (۱۴۰۳ق، ۷۶) در این باره افزوده است که در چهار مورد (نساء، ۷۸؛ کهف، ۴۹؛ فرقان، ۷؛ معارج، ۳۶)، لام جَرّ از کلمه بعدش جدا نوشته می‌شود. واژه «لثلا» نیز که مرکب است از لام تعلیل و آن ناصبه و لای نفی، مطابق نظر شیخین باید متصل، و همزه آن هم بر کرسی یاء نوشته شود (ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۵۳؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۲۲۰). در باره فصل و وصل إنّ و مای موصوله نیز باید گفت که شیخین هر دو معتقدند باید آن را در آیه ۱۳۴ سوره انعام به صورت منفصل، و در بقیه آیات به صورت متصل نوشت (رک: ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۷۳؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۵۱۵؛ نیز رک: ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۷). سرآخر، «ال یاسین» را هم گفته‌اند باید منفصل نوشت که قرائات مختلف را تحمل کند (ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۷۷؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۴/۱۰۴۲-۱۰۴۳؛ نیز رک: ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۹).

ب) کلمات هم‌خوان با نظر یکی از شیخین

چنان که گفتیم، برای شناخت رسم عثمانی دیدگاه شیخین را ملاک قرار داده‌ایم. بر این پایه، در مرور مصحف سن‌پترزبورگ به مواردی برمی‌خوریم که رسم کلمه یا ترکیبی با نظر هر دو شیخ مطابق نیست؛ اما اگر نظر یکی از آنها مبنای شناخت رسم مصحف عثمانی واقع شود، باید حکم به تطابق کنیم.

در بقایای مصحف سن‌پترزبورگ، حدود ۱۰۵ از کلمات را می‌توان یافت که رسمشان تنها با نقلهای ابوعمر و دانی هم‌خوانی دارد. از این جمله، می‌توان حذف الف تشبیه را در کلماتی مانند مَبْسُوطَتَيْنِ (مأثده، ۶۴)، يَقُومُنِ (مأثده، ۱۰۷)، و يَخْصِفُنِ (اعراف، ۲۲) یاد کرد (ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۱۷). حذف الف از دیگر کلمات نیز، در برخی نمونه‌ها با نظر ابوعمر و مطابق است؛ همچون مُبْرَكٌ (انعام، ۹۲) یا تَبْرَكٌ (فرقان، ۱). گفتنی است که این قبیل واژه‌ها بر پایه قول ابوعمر (۱۴۰۳ق، ۱۸) به حذف الف نوشته می‌شود. ابوداود در باره این واژه‌ها ظاهراً دیدگاه متفاوتی دارد. او نگارش مُبارک را در سوره های ص و ق به حذف الف می‌داند (ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۴/۱۰۵۱، ۱۱۳۵) و در باره مواضع دیگر سکوت می‌کند؛ سکوتی که حمل بر باور وی به لزوم اثبات الف در دیگر موارد نگارش کلمه مبارک در قرآن شده است (برای نقلی از وی در این باره، رک: مارغنی، ۱۴۱۵ق، ۷۴).

در مصحف سن پترزبورگ می‌توان موارد فراوانی از اثبات الف را دید که مطابق با مبنای ابوعمرو، و مخالف با نظر ابوداود است. اکثر این موارد نتیجه این دیدگاه ابوعمرو (۱۴۰۳ق، ۴۴) است که باید کلمات مطابق با اوزان ششگانه فَعَال، فَعَال، فاعِل، فَعَال، فُعْلان و فِعْلان، و نیز کلماتی که الف آن‌ها زائد بر بناء یا منقلب از یاء یا واو باشد، به اثبات الف نوشته شوند؛ مثل یُقَاتِلُوا (نساء، ۹۰)، خِلَافٍ (شعراء، ۴۹)، الاسباب (ص، ۱۰).

برای زیادت الف که مطابق با رسم ابوعمرو دانی باشد، می‌توان لالی (صافات، ۶۸) را مثال آورد. ابوعمرو در کتاب *المتنع*، متعرض این کلمه نشده، اما در کتاب *المحکم* (۱۴۰۷ق، ۱۷۵) آن را با زیادت الف گزارش، و به مصاحف کهن موجود در بوم خویش (اندلس) استناد نموده که بر اساس مصحف مدینه رسم شده است. او تصریح می‌کند که این زیادات را در هیچ یک از مصاحف کهن عراقی نمی‌توان دید.

فصل و وصل مطابق با رسم ابوعمرو نیز نمونه‌هایی در مصحف سن پترزبورگ دارد؛ مثل نگارش اینما در آیه ۷۸ سوره نساء به شکل «این ما» (رک: ابوعمرو دانی، ۱۴۰۳ق، ۷۲، ۷۳؛ قس: ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۱۹۹-۲۰۱؛ نیز رک: ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۸). سرآخر، باید از نمونه‌های نگارش همزه بر خلاف رسم ابوداود مقری و مطابق با رسم ابوعمرو دانی یاد کرد؛ مثل نگارش لَأَمْلَأَنَّ (سجده، ۱۳) به صورت لاملئن (قس: ابوعمرو دانی، ۱۴۰۳ق، ۲۵-۲۶؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۵۳۵)، یا نگارش مستأنسین (احزاب، ۵۳) به اثبات الف، که خلاف نظر ابوداود است (رک: ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۴ / ۱۰۵).

به همین ترتیب، نمونه‌های متعددی از تشابه رسم مصحف سن پترزبورگ با ضوابط ابوداود مقری در کتاب *مختصر التبیین* می‌توان سراغ گرفت که در آن‌ها، نظری خلاف ابوعمرو دانی معمول شده است. این کلمات حدود ۱۳۰۵ درصد از بقایای کلمات مصحف سن پترزبورگ را در بر می‌گیرد و منحصر است در حذف الف از برخی حروف. از نمونه‌های حذف الف می‌توان حذف الفِ صرط را در آیه ۱۴۲ سوره بقره یاد کرد (رک: ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲ / ۵۵ که استنادش به برخی مصاحف کهن حاکی است که معتقد است همواره باید الف صراط را حذف کرد). نمونه دیگر از این قبیل، الف متاع است که ابوداود (۱۴۰۲۱ق، ۲ / ۱۲۰) حذف آن را نقل می‌کند؛ اما ابوعمرو

دانی اثبات الف آن را — مثل همه دیگر کلماتی که بر اوزان ششگانه پیش گفته هستند — بایسته می‌داند (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۴۴). از همین قبیل است نگارش میثاق به جای میثاق (برای نمونه، رک: بقره، ۸۳؛ آل عمران، ۸۱، ۱۸۷)، انعم به جای انعام (انعام، ۱۳۸) و احبوه به جای اَحِبَّاءُوه (مائده، ۱۸) و اسراءیل به جای اسرائیل (برای نمونه، رک: مائده، ۳۲). در همه این چهار مورد، ابوداود حذف الف را برگزیده است (به ترتیب، رک: ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۷۲؛ ۳/۵۱۷؛ ۴۳۷؛ ۲/۱۱۴).

شباهت دیگر مصحف سن‌پترزبورگ با ضوابط ابوداود مقری که با رأی ابوعمر دانی در تعارض واقع می‌شود، رسم متفاوت همزه است. موارد رسم متفاوت همزه نیز، در حذف برخی همزه‌ها خلاصه می‌شود. مثلاً، در مصحف سن‌پترزبورگ، فلیستأذنوا (نور، ۵۹) به حذف همزه درج شده است (قس: ابوداود، ۱۴۲۱ق، ۴/۹۰۸). نمونه دیگر از این قبیل، حذف همزه اخیر است در رأیت (فرقان، ۴۳) که با نظر ابوداود (۱۴۲۱ق، ۳/۴۸۳-۴۸۴) تطابق دارد.

پ) کلمات ناهمخوان با نقلهای شیخین

حدود ۳۰ درصد از بقایای مصحف سن‌پترزبورگ را کلماتی دربر می‌گیرد که با ضوابط پذیرفته رسم عثمانی از نگاه هیچ کدام از شیخین هم‌خوانی ندارد. این موارد خلاف رسم مصحف، نمونه‌های متعددی از حذف یا زیادت الف، فصل و وصل متفاوت کلمات، ابدال حروف، و رسم متفاوت همزه را شامل می‌شود.

برای حذف الف در این مصحف به شیوه‌ای خلاف رأی شیخین، می‌توان الف ابن در عیسی بن مریم (برای نمونه، رک: بقره، ۸۷، ۲۵۳) را مثال آورد که بر اساس اقوال شیخین اثبات آن واجب است (رک: ابوعمر و دانی، ۱۴۰۳ق، ۳۰؛ ابوداود، ۲، ۱۷۹-۱۸۰). نمونه دیگر، واژه عذاب است (دخان، ۵۶) که در این مصحف بدون الف رسم شده. این واژه بر وزن فَعَال، از اوزان ششگان‌های است که ابوعمر و (همان، ۴۴) اثبات الف را در آن‌ها واجب می‌داند. ابوداود هم در باره این واژه رأیی مشابه دارد (رک: ابوداود، ۲، ۸۹). از همین قبیل است واژه اَنْبِل (آل عمران، ۱۱۹) که طبق قول ابوعمر و (همانجا)، چون الف آن زائد بر بناء یا منقلب از یاء یا واو است، به اثبات الف نوشته می‌شود. ابوداود نیز در این باره سکوت کرده است؛ سکوتی که از آن می‌توان وجوب اثبات الف را استنباط کرد.

بر پایه دو ضابطه پیش گفته ابوعمرو و سکوت ابوداوود، رسم این موارد نیز در مصحف سن پترزبورگ، مخالف با نظر این دو است: القرن به جای القرآن (یس، ۲)، صیم به جای صیام (نساء، ۹۲)، قل و قلوا به جای قال و قالوا، کنوا به جای کانوا، مئده به جای مائده (مائده، ۱۱۴)، و دود به جای داود (سبأ، ۱۳). در خصوص مورد اخیر، شایان ذکر است که ابوعمرو دانی (۱۴۰۳ق، ۲۱-۲۲) می گوید عالمان رسم مصحف، با توجه به حذف یکی از دو واو در این واژه اثبات الف را لازم شمرده اند. سکوت ابوداوود را نیز، همچنان باید بر باور او به ضرورت اثبات الف حمل کرد.

در مواردی هم با زیادت الف بر خلاف ضابطه شیخین مواجهیم؛ مثل نگارش لان به جای لن در آیه ۱۲۹ سوره نساء، یا نگارش ذوا به جای ذو در آیه ۹۵ سوره مائده (قس: ابوعمرو، ۱۴۰۳ق، ۲۸؛ ابوداوود، ۲ / ۷۸-۸۲). از همین قبیل است نگارش شای به جای شیء (سبأ، ۱۶) که به نظر می رسد شیخین زیادت الف در آن را تنها در آیه ۲۳ سوره کهف پذیرفته اند (رک: ابوعمرو، همان، ۴۲)؛ یا نگارش لا اکلون (صافات، ۶۶) به جای لا کُلُون، که مطابق با نقل شیخین، این واژه جزء کلماتی که به زیادت الف نوشته می شود نیست (رک: ابوعمرو، همان، ۴۲؛ ابوداوود، ۴ / ۱۰۳۷؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۵۳-۵۵).

در معدود مواردی هم زیادت یاء را می توان دید؛ مثل اُحیی المَوتی (آل عمران، ۴۹) که اُحیی مطابق با ملاک شیخین با یاء واحد و به صورت «أحی» نوشته می شود (ابوعمرو، ۱۴۰۳ق، ۴۹-۵۰؛ ابوداوود، ۲ / ۲۸۳-۲۸۴)؛ یا مثل بآیاته در آیه ۲۱ سوره انعام که شیخین معتقدند گرچه برخی مصاحف کهن آن را با دو یاء رسم کرده اند، بیش تر نمونه های رسم آن در مصاحف با یک یاء است (رک: ابوعمرو، ۱۴۰۳ق، ۵۰؛ ابوداوود، ۲ / ۱۲۲-۱۲۳). افزون بر این، بنا به نقل ابوعمرو دانی (همان، ۴۷)، کلمات **قرآن** کریم در ۹ موضع به زیادت یاء نوشته می شوند که آیه فوق جزء آنها نیست. آخرین مثال از این قبیل، نبأ است که در آیه ۶۷ سوره انعام به زیادت یاء رسم شده، و البته، بر اساس ملاک شیخین باید این یاء زیاده حذف گردد (رک: ابوعمرو، ۱۴۰۳ق، ۴۸).

فصلهایی نیز خلاف رسم مصحف عثمانی از نگاه شیخین در این مصحف می توان دید؛ همچون فصل «آن لا» در آیه ۷۱ سوره مائده که مطابق ملاک شیخین از جمله ده موردی است که باید متصل نوشته شوند (رک: ابوعمرو دانی، ۱۴۰۳ق، ۶۸؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۶)؛ یا فصل «فی ما» در آیه

۱۹۰ سوره اعراف که بر اساس نظر شیخین، غیر از آن ۱۱ موردی است که باید این دو حرف را جدا نوشت و از این رو، وصلشان واجب است (رک: ابوعمر، همان، ۷۱-۷۲؛ ضباع، ۱۴۲۰ق، ۶۸)؛ یا فصل میان اُنَّ و ما در «لَوْ اَنْمَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَام...» (لقمان، ۲۷) که در مصحف سن پترزبورگ واژه به شکل «لون ما» درج شده، و خلاف رسم شیخین است.

ابدال حروف نیز به شیوه‌ای خلاف ضبط شیخین در این مصحف نمونه دارد. مثلاً، کلمه «حتی» در مصاحف عثمانی همواره با یاء نوشته می‌شود (برای مستندات این رسم، رک: ابوعمر، *المقنع*، ۶۵-۶۶)؛ اما در مصحف سن پترزبورگ اغلب این کلمه با الف درج گردیده (آل عمران، ۱۸۳؛ نساء، ۴۳؛ مائده، ۲۲؛ اعراف، ۳۷، ۳۸؛ یونس، ۹۳؛ محمد، ۳۱؛ حجرات، ۵) و تنها در نمونه‌های اندکی (انعام، ۳۴؛ اعراف، ۴۰) رسم آن با یاء صورت پذیرفته است. به همین ترتیب، واژه الزَّكُوَّة (نساء، ۱۶۲) که بر اساس نظر شیخین باید الف آن بر کرسی واو قرار گیرد (رک: ابوعمر، همان، ۵۴؛ ابوداود، ۲، ۷۱)، در این مصحف به اثبات الف رسم شده است.

سرآخر، تفاوت‌هایی نیز میان رسم این مصحف با رسم عثمانی در شیوه درج همزه دیده می‌شود. گاه در آن همزه به جای آن که بر کرسی یاء رسم شود، بر کرسی الف قرار گرفته است. مثلاً، در آیه ۱۲۰ سوره آل عمران، به جای سیئة، سَيِّئَةٌ درج شده است. این درج البته ظاهراً از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند؛ چرا که در آیات دیگر (نساء، ۷۸، ۷۹؛ اعراف، ۹۵، ۱۳۱؛ یونس، ۲۷؛ قصص، ۵۴؛ روم، ۳۶) همین واژه را می‌توان مطابق با رسم عثمانی دید. از همین قبیل است نگارش جَنْثُهُمْ به صورت جانهم در آیه ۵۲ سوره اعراف با کرسی الف و برخلاف قول شیخین (رک: ابوعمر، همان، ۵۹؛ ابوداود، ۲ / ۵۳-۵۵). نگارش همزه با کرسی یاء به جای اثبات آن بدون کرسی نیز در این مصحف نمونه دارد؛ در آیه ۴۱ سوره شعراء به جای جاء، جای ثبت شده، و این خلاف رسم مصحف عثمانی است؛ چرا که بر پایه نظر شیخین، اگر ماقبل همزه آخر کلمه (همزه متطرفه) ساکن باشد، باید آن را بدون کرسی نوشت (ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۶۲؛ ابوداود، ۲ / ۱۸۰). نگارش همزه بدون کرسی نیز، در مواردی مشاهده می‌شود؛ مثل نگارش وَرَائِكُمْ به شکل وِرَاكُم (نساء، ۱۰۲)، اَنْشَأْنَا به شکل اَنْشَأْنَا (انعام، ۶)، و «لون ما» به جای «لَوْ اَنْمَا» (لقمان، ۲۷؛ برای ضوابط شیخین در باره دو مورد نخست، به ترتیب رک: ابوعمر، ۱۴۰۳ق، ۳۶-۳۷، ۵۹؛ ابوداود، ۲ / ۴۹-۵۰، ۵۳-۵۵؛ برای

مورد اخیر، رک: سطور پیشین).

اگر بخواهیم بر پایه همه آنچه در این بخش گفته شد نتیجه‌ای بگیریم، باید بگوییم رسم مصحف سن پترزبورگ، هم‌چون دیگر مصاحف کهن، گرچه در بسیاری از موارد با آرای علماء علم رسم المصحف هم‌خوانی دارد؛ اما در مجموع، تابع معیارها و ملاک‌های مشخصی نیست؛ یا اگر ملاک و معیاری بر آن حاکم باشد، هنوز ناشناخته است.

۴. قرائت و عدّ الآی مصحف سن پترزبورگ

اکنون می‌خواهیم شاخصه‌های این مصحف را از حیث تطابقش با قرائات مختلف، و هم از حیث نحوه شمارش آیات و تقسیمات **قرآن** بازشناسیم. به این منظور، نخست مروری اجمالی خواهیم داشت بر علم قرائات، و سپس به قرائت و عدّ الآی مصحف سن پترزبورگ خواهیم پرداخت.

الف) کلیاتی در باره علم قرائات

«قرائات» علمی است که در خصوص کیفیت ادای کلمات **قرآن** و اختلافها در نقل آنها با ذکر ناقل آن بحث می‌کند (ابن جزری، ۲۰۰۸م، ۸). به هر یک از شیوه‌های ادای کلمات **قرآن** که مستند به نقلها از یک منبع معتبر، همچون یک قاری بزرگ باشد، یک قرائت گفته می‌شود. این اصطلاح ممکن است برای اشاره به خوانش خاص یک واژه، یا خوانش کل **قرآن** به کار گرفته شود. شمار خوانشهای منقول و مستند از **قرآن** کریم — یا به بیان دیگر، قرائات — بسیار است و می‌توان بر پایه یک دسته‌بندی، آنها را از دو نوع دانست: قرائات مشهور و قرائات شاذ. قرائات مشهور، آنهایی هستند که با سندی صحیح به عالمی بزرگ و نامدار و قابل اعتماد برسند و شیوه خوانش کلمه در آنها نیز، با رسم عثمانی و قواعد زبان عربی موافق باشد (رک: ابن جزری، ۲۰۰۸م، ۳۳).

از میان قُرّاء معتبر، نام ده تن زبان‌زد شده، و قرائاتشان اعتبار و شهرتی فراگیر یافته است: نافع (د ۱۶۹ق) و ابوجعفر یزید بن قَعْقَاع (د ۱۳۰ق) در مدینه، ابن کثیر (د ۱۲۰ق) در مکه، عاصم بن ابی‌النَّجُود (د ۱۲۷ق)، حمزة بن حَبِیب زَبَّات کوفی (د ۱۵۶ق)، علی بن حمزة کِسائی (د ۱۸۹ق) و خَلْف بن هِشام بَزَّار (د ۲۲۹ق) در کوفه، ابوعمرو بن علاء (د ۱۵۴ق) و یعقوب بن اسحاق خَضْرَمی (د ۲۰۵ق) در بصره، و عبدالله بن عامر یَحْصِبی (د ۱۱۸ق) در شام (برای تفصیل بیشتر، رک: ابوعمرو دانی، ۱۴۱۶ق، ۱۷-۲۵). اغلب اصطلاح قرائات مشهور برای اشاره به اینها به کار می‌رود؛ گرچه لزوماً شمار قرائات مشهور و معتبر در این موارد خلاصه نمی‌شود. نیز، هر یک از این

قرائت ده‌گانه به روایت از دو شاگرد بزرگ و نامدار این شیوخ نقل شده‌اند و این‌گونه، روایاتی بیست‌گانه از این قرائات شکل گرفته است. مثلاً، قرائت عاصم بن ابی‌النجد را حفص بن سلیمان اَسَدی و شُعَبَة بن عَیَّاش از وی روایت کرده‌اند، که این قرائات با عنوان روایت حفص از عاصم و روایت شعبه از عاصم شناخته می‌شوند.

دسته دوم قرائات شاذ هستند. ابوشامه مَقْدِسی (د ۶۶۵ق) معتقد است به هر قرائتی که یکی از ارکان سه‌گانه موافقت با نقل، عربیت و رسم مصحف را نداشته باشد، شاذ گفته می‌شود (ابوشامه، ۱۷۲). ابن جزری (د ۸۳۳ق) دامنه قرائات شاذ را قدری وسیع‌تر از ابوشامه تعریف می‌کند و هر قرائتی را که مخالف با رسم عثمانی باشد، شاذ می‌داند؛ هر چند از دو شرط صحت سند و مطابقت با قواعد عربی برخوردار باشد (رک: ابن جزری، ۲۰۰۸م، ۳۴). به طبع بسته به اختلاف رویکردها، شمار قرائات شاذ و مصادیق آن‌ها متفاوت می‌شود؛ اما از میان آن‌ها می‌توان چهار قرائت را برشمرد که در اغلب منابع همچون قرائات شاذ یاد شده‌اند و از این حیث، شهرتی دارند (رک: قباقبی، ۱۴۲۴ق، ۶۸-۷۰؛ دُمیاطی، ۱۴۱۹ق، ۹/۱۴): قرائت حسن بصری (د ۱۱۰ق)، ابن مُحَیِّصِن (د ۱۲۳ق)، اعمش (د ۱۴۸ق) و یحییٰ یَزیدی (د ۲۰۲ق).

ب) قرائات قابل حمل بر مصحف سن پترزبورگ

با مروری بر شیوه رسم کلمات مختلف در بقایای مصحف سن پترزبورگ درمی‌یابیم که این مصحف نیز، همچون اکثر مصاحف قرآنی کهن، طبق یک قرائت یا روایت خاص نوشته نشده است و با قرائت هیچ یک از قراء عَشْرَه یا راویان مشهور هر یک انطباق تام ندارد. از میان قراء مشهور، بیش‌ترین تطابق را می‌توان میان این مصحف با قرائت قاریان مدینه یعنی نافع و ابوجعفر یزید بن قعقاع دید. پس از مدینه، مطابقت این مصحف با قرائت ابن عامر — قاری شامی — آشکار است. میزان تطابقها با دیگر قرائات گرچه کم‌تر از این حدود است، همچنان شایان توجه و معنادار است.

به طور کلی میزان مطابقت این مصحف با قرائات ده‌گانه و روایات بیست‌گانه چنین است: قرائت ابوجعفر یزید بن قعقاع (مدنی)، ۸۳ درصد؛ قرائت نافع (مدنی)، ۸۱ درصد؛ قرائت ابن عامر (شامی)، ۷۸ درصد؛ روایت روح از یعقوب حضرمی (بصری)، ۷۲ درصد؛ روایت رُوَیْس از یعقوب حضرمی (بصری)، ۶۸ درصد؛ قرائت ابن کثیر (مکی)، ۶۷ درصد؛ روایت شعبه از عاصم (کوفی)، ۶۶ درصد؛ قرائت خَلَف (کوفی)، ۶۳ درصد؛ روایت حفص از عاصم و قرائت کِسائی (کوفی)، ۶۲

درصد؛ قرائت حمزه کوفی، ۵۹ درصد؛ و قرائت ابوعمر بن علاء (بصری)، ۵۸ درصد (برای تفصیل مطابقتها و مخالفت‌های مصحف سن پترزبورگ با قرائت قراء ده گانه، رک: پیوست مقاله، جدول شم ۱). یک نکته شایان توجه دیگر آن است که مصحف سن پترزبورگ از میان قرائات مختلف، کم‌ترین مطابقت را با قرائت قاریان عراق دارد. برای نمونه، ۴۶ مورد اختلاف میان آن با روایت حفص از عاصم — که در حال حاضر مشهورترین روایت است — می‌توان دید (برای نمونه‌هایی از این اختلافات، رک: جدول شم ۲). هرچند به‌ندرت، اما مواردی نیز می‌توان در این مصحف دید که رسم و ضبط کلمات، مطابق برخی قرائات شاذ روی داده است (رک: جدول شم ۳؛ نیز، برای شیوه رسم این مصحف در مواردی که از دو قرائت مختلف تنها یکی قابل رسم است، رک: جدول شم ۴).

پ) عدّ الآی مصحف سن پترزبورگ

به شمارش آیات هر سوره قرآن و بیان اختلافها میان قراء بزرگ در شمارش آیات و مشخص کردن ابتدا و انتهای آیات بر اساس نقلها، عدّ الآی می‌گویند (شکری، ۱۰-۱۱). مشهورترین دیدگاهها در شمارش آیات قرآن ذیل شش مکتب مختلف دسته‌بندی می‌شود که سه مکتب حجازی، دو مکتب عراقی، و یک مکتب نیز شامی است. این مکتبها به ترتیب چنین نام‌بردار اند: مذهب مدنی اول، مدنی دوم، مکی، بصری، کوفی، و شامی. برخی به این موارد مذهب حمصی را هم افزوده‌اند (رک: قاضی، ۱۴۰۴ق، ۲۵-۲۷).

در باره عدّ الآی مصحف سن پترزبورگ، نخست باید گفت که شمارش کار بسته در مجموع آیات این مصحف، به طور کامل، بر اساس هیچ یک از مذاهب مشهور پیش‌گفته نیست؛ به این معنا که در بسیاری از موارد، شمار آیات سوره با یک یا چند مذهب هم‌خوانی دارد و در موارد بسیار محدودی منطبق با هیچ یک از آنها نیست. برای نمونه، بر صدر سوره مائده در این مصحف شمار آیات آن ۱۲۲ آیه ذکر شده است؛ اما با مرور آیات می‌بینیم که سوره به ۱۲۳ آیه تقسیم شده، که مطابق با عدّ بصری است (رک: طبرسی، ۳، ۲۵۷؛ قاضی، ۱۴۲۹ق، ۱۵۱). سوره نساء در این صحف به ۱۷۷ آیه تقسیم شده است که با مذهب شامی هم‌خوانی دارد؛ با این تفاوت که در عدّ شامی «...أن تزلوا السبیل» (رک: آیه ۴۴ از مصحف عثمانی)، پایان آیه به‌شمار آمده (رک: قاضی، ۱۴۲۹ق، ۱۴۷)، ولی در مصحف سن پترزبورگ، تا آنجا آیه مستقلی حساب نشده است. به همین ترتیب، در

پایان عبارت «فلاتبتغوا علیهن سبیلاً» (آیه ۳۴ از مصحف عثمانی) علامت رأس الآیه به نشانه پایان یافتن یک آیه نهاده شده، و این در حالی است که هیچ یک از مذاهب شمارش آیات، این موضع را پایان یک آیه به شمار نیاورده‌اند (رک: قاضی، همانجا).

به ترتیبی مشابه، در صدر سوره انعام شمار آیات آن ۱۶۷ آیه یاد شده است؛ ولی در مصحف، آیات سوره به ۱۶۶ آیه تفکیک شده، که مطابق با مذاهب شامی و بصری است (رک: قاضی، ۱۴۲۹ق، ۱۵۴). شمار آیات این سوره در عَدَّ کوفی ۱۶۵، در عَدَّ شامی و بصری ۱۶۶، و در عَدَّ حجازی ۱۶۷ آیه است (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۲ / ۳۲۵؛ قاضی، ۱۴۲۹ق، ۱۵۴). سرآخر، می‌توان سوره فرقان را مثال آورد که به ۷۸ آیه تفکیک شده است؛ شمارشی که با هیچ یک از مذاهب عد الآی — که به اجماع سوره را ۷۷ آیه می‌دانند (رک: قاضی، ۱۴۲۹ق، ۲۰۶) — منطبق نیست. این اختلاف به آن بازمی‌گردد که در مصحف سن‌پترزبورگ، واژه سُبَاتَا (فرقان، ۴۷) رأس یک آیه به حساب آمده است؛ حال آن که هیچ یک از مذاهب فوق این موضع را پایان آیه برنشمردند (رک: قاضی، همانجا).

ت) دیگر نشانه‌ها در مصحف

در این مصحف از علائمی برای جداسازی هر ده آیه از همدیگر (تعشیر آیات) استفاده شده، و در پایان هر صد آیه و دویست آیه نیز علامتهایی مخصوص درج گردیده است. بررسی اشکال این علائم، آشکارا نشان از آن دارد که در زمان نگارش این مصحف، نشانه‌های یکنواخت و منظمی برای باز نمودن رؤوس آیات وجود نداشته است و کاتبان مصحف در این زمینه، ذوق و سلیقه خود را به اشکال گوناگون، آن هم با نقش کردن صورت‌های ساده و ابتدایی به کار بسته‌اند.

علائم رأس الآیه یا شمارش یکان در این مصحف با شکلهای مختلفی نشان داده شده است (رک: جدول شم ۵). تعشیر آیات نیز، با کاربرد جوهر قرمز در کنار جوهر مشکی و نقش کردن دایره‌های توپر یا دایره‌های توخالی درون هم صورت گرفته که در مواردی، محیط آن با نقطه‌های متوالی احاطه شده است (رک: جدول شم ۶). برای نشان دادن هر صد آیه، با قلم‌های سبز و قرمز و مشکی، اشکالی طراحی شده است که ضخیم‌تر و درشت‌تر و نامنظم‌تر از اشکال کاربسته در موارد پیشین است (رک: جدول شم ۷). همچنین، در انتهای بسمله‌ها، علامت رأس الآیه گذاشته شده، اما در شمارش آیات، این بسمله‌ها آیه به حساب آورده نشده است؛ امری که می‌توان حاصلش را در

تعشیر آیات بدون در نظر گرفتن بسمله‌ها مشاهده کرد.

نتیجه

در مقایسه بقایای مصحف سن پترزبورگ با آرای مشهور در باره رسم عثمانی دیدیم گذشته از ۵۵ درصد کلمات مصحف که عیناً با ضابطه ابو عمرو دانی و ابوداود مقری در باره رسم عثمانی تطابق داشت و فراتر از آن ۱۳۰۵ درصدی که تنها با آراء خاص ابوداود مقری سازگار بود، یا آن ۱۰۵ درصد که با آرای خاص ابو عمرو دانی انطباق می‌یافت، حدود ۳۰ درصد از کلمات هم به نحوی کاملاً متفاوت با مصحف عثمانی رسم شده بودند.

این اختلاف رسمها موارد گسترده‌ای از فصل و وصل، اثبات یا حذف همزه، و زیادت حروف را دربر می‌گرفت؛ امری که شاید نشان از نبود یک سنت درست‌نگاری^۱ منسجم در زمان استنساخ این مصحف، یا نگارش آن بر پایه رسم الخط خاصی باشد که هنوز برای ما ناشناخته است و در هر حال، نشان می‌دهد که رسم عثمانی هنوز تا دوران شکل‌گیری این مصحف، شمول عام نیافته، یا ضوابط آن تثبیت نشده است. پس هر گاه کوشش‌ها برای تاریخ‌گذاری این مصحف به نتایجی دقیق‌تر بینجامد، بینش تاریخی ما نسبت به رسم مصحف نیز، تعمق و توسعه خواهد یافت.

مطالعه این مصحف از حیث میزان انطباق با قرائات مشهور یا شاذ هم نتایجی مشابه داشت. دیدیم که این مصحف نیز، همچون اکثر مصاحف قرآنی کهن، طبق یک روایت یا قرائت خاص نوشته نشده است و با قرائت هیچ یک از قراء عشره و راویان آن‌ها به طور کامل منطبق نیست. با این حال، از میان قراء مشهور، بیش‌ترین مطابقت را با قرائت قاریان مدینه (نافع و ابوجعفر حضرمی) و سپس، شام (ابن عامر) دارد و در کلمات اختلافی، میزان انطباقش با هر یک از قرائات مشهور بیش‌تر از حدود ۶۰ درصد است.

شیوه جداسازی آیات این مصحف نیز، به طور کامل با هیچ یک از مذاهب عدد مشهور تطابق نداشت. از آن سو، تقسیمات سوره در سطحی فراتر از آیه — همچون تعشیر آیات یا جداسازی صد آیه و ۲۰۰ آیه از همدیگر — در آن دیده می‌شد؛ تقسیماتی که در گذشته‌های دور معمول بوده، و در اعصار بعدی به‌مرور از اهمیت آن کاسته، و با تقسیمات جدید جایگزین شده است.

1. Orthography

بررسی آشکال این علائم نیز، نشان از آن دارد که در زمان نگارش این مصحف، هنوز علائم یکنواخت و منظمی برای نشان دادن رؤس آیات پدید نیامده بوده است؛ آن سان که کاتبان مصحف بر حسب ذوق و سلیقه خود نشانه‌هایی نامنضبط و مختلف را به کار می‌بسته‌اند.

جداول پیوست

→ بیش‌ترین مطابقت

← کم‌ترین مطابقت

جدول شم ۱: مطابقتها و مخالفتهای مصحف سن‌پترزبورگ با قرائات ده‌گانه (در ۱۲۰ کلمهٔ اختلافی موجود در نسخه)

شهر	مدینه		شام		بصره	مکه	کوفه					بصره
	ابوجعفر	نافع	ابن عامر	ابن زکریان			یعقوب	عاصم	خلف	عاصم	خلف	
قاریان	۱۰۰	۱۰۰	۹۴	۹۴	روح	۸۰	عاصم	خلف	عاصم	خلف	ابوعمر	۷۰
راویان	۱۰۰	۱۰۰	۹۴	۹۴	روح	۸۰	عاصم	خلف	عاصم	خلف	ابوعمر	۷۰
مطابقات	۱۰۰	۱۰۰	۹۴	۹۴	روح	۸۰	عاصم	خلف	عاصم	خلف	ابوعمر	۷۰
مخالفتات	۲۰	۲۰	۲۶	۲۶	روح	۴۰	عاصم	خلف	عاصم	خلف	ابوعمر	۵۰

جدول شم ۲: نمونه‌هایی از اختلافات مصحف سن‌پترزبورگ با قرائت حفص از عاصم

آیه	رسم مصحف سن‌پترزبورگ	روایت حفص	توضیحات
آل عمران، ۵۷	فَنُوقِیْهِمْ	فَیُوقِیْهِمْ	حفص و رويس با یاء و بقیه قراء با نون قرائت کرده‌اند (رک: ابن جزری، النشر، ۲، ۲۴۰)
آل عمران، ۱۱۵	فَلَنْ تَكْفُرُوْهُ	فَلَنْ یُکْفِرُوْهُ	حمزه و کسائی و خلف و حفص با یاء غیبیت و بقیه با تاء خطاب قرائت کرده‌اند (رک: ابن جزری، النشر، ۲، ۲۴۱).
انعام، ۱۴۵	اَنْ تَكُوْنَ	اَنْ یَّکُوْنَ	ابن کثیر و ابوجعفر و ابن عامر و حمزه به صورت مؤنث (با تاء) و بقیه قراء به صورت مذکر (با یاء) قرائت کرده‌اند (رک: ابن جزری، النشر، ۲، ۲۶۶).
نور، ۳۵	تَوْقَدُ	یَوْقَدُ	ابن کثیر و ابوعمر و یعقوب و ابوجعفر با تاء مفتوح و فتح واو و دال و تشدید قاف خوانده‌اند. نافع و ابن عامر و حفص با یاء مضموم و اسکان واو و تخفیف قاف و رفع دال (به صورت مذکر) قرائت کرده‌اند و بقیه نیز به همین ترتیب ولی با تاء (به صورت مؤنث) قرائت کرده‌اند (ابن جزری، النشر، ۲، ۳۳۲).

جدول شم ۲: نمونه‌هایی از اختلافات مصحف سن پترزبورگ با قرائت حفص از عاصم

آیه	رسم مصحف سن پترزبورگ	روایت حفص	توضیحات
فرقان، ۴۸	نشرا	بُشْرًا	این کلمه را عاصم با (باء) و بقیه با (نون) قرائت کرده‌اند (ابن جزری، النشر، ۲، ۲۶۹-۲۷۰).

جدول شم ۳: نمونه‌هایی از تطابق مصحف سن پترزبورگ با قرائت شاذ

آیه	مصحف سن پترزبورگ	حفص	قرائات شواذ مطابق با مصحف سن پترزبورگ
آل عمران، ۱۲۰	يعملون، تعملون (هر دو)	يعملون	حسن و مطوعی تعملون خوانده‌اند (طبرسی، ۲، ۸۲۲؛ ابوحیان، ۳، ۳۲۳)
شعراء، ۲۰۲	فتاتیهم	فَيَأْتِيهِمْ	حسن بصری فتأتیهم خوانده است (رک: ابن جنی، ۲، ۱۳۲).
سجده، ۲۷	افلا تبصرون	أَفَلَا يَبْصُرُونَ	ابن مسعود تبصرون خوانده است (رک: ابوحیان اندلسی، ۸، ۴۴۲)

جدول شم ۴: شیوه رسم مصحف سن پترزبورگ در مواردی که رسم تنها یک قرائت را تحمل دارد

آیه	قرائت ۱	قرائت ۲	مصحف مطابق	شکل و توضیحات
بقره، ۱۳۲	ووصی	واوصی	مدینه و شام	 به صورت «و اوصی» بوده که در ویرایشهای بعدی «الف» آن پاک شده است.
آل عمران، ۱۸۴	والزیر	وبالزیر	حجاز و عراق	
نساء، ۶۶	الا قلیل	الا قلیلا	حجاز و عراق	
مائده، ۵۳	ویقول الذین	یقول الذین	حجاز و شام	واو در ابتدای این آیه، در ویرایشهای بعدی افزوده شده است.
انعام، ۳۲	وللدار الآخرة	ولدار الآخرة	—	 مشخص نیست در اصل به چه شکل بوده؛ ولی در ویرایشهای اخیر به صورت «لدار» درآمده است.

جدول شم ۳: نمونه‌هایی از تطابق مصحف سن پترزبورگ با قرائات شاذ

آیه	مصحف سن پترزبورگ	حفص	قرائات شواذ مطابق با مصحف سن پترزبورگ
انعام، ۶۳	لئن انجانا	لئن انجیتنا	۲ حجاز و بصره و شام
انعام، ۱۳۷	شركاؤهم	شركائهم	— حجاز و عراق
اعراف، ۳	ما تذکرون	ما يتذکرون	۱ حجاز و عراق
اعراف، ۴۳	وما کنا لنهتدی	ما کنا لنهتدی	۱ حجاز و عراق
اعراف، ۷۵	قال المأء	وقال المأء	۱ حجاز و عراق
توبه، ۱۰۰	تجری تحتها الآنهار	تجری من تحتها الآنهار	۱ مدینه و عراق و شام
توبه، ۱۰۷	والذین اتخذوا مسجدا	الذین اتخذوا مسجدا	۲ مدینه و شام
فرقان، ۲۵	نزل الملائکه	نزل الملائکه	۱ مدینه و عراق و شام
قصص، ۳۷	وقال موسی	قال موسی	۱ مدینه و عراق و شام
یس، ۳۵	وما عملته ایدیم	وما عملت ایدیم	۱ حجاز و بصره و شام
احقاف، ۱۵	احسانا	حسنا	۲ حجاز و بصره و شام

جدول شم ۳: نمونه‌هایی از تطابق مصحف سن پترزبورگ با قرائات شاذ

آیه	مصحف سن پترزبورگ	حفص	قرائات شواذ مطابق با مصحف سن پترزبورگ
			شام
الرحمن، ۱۲	ذوالعصف	ذال العصف ۲	شام به صورت «ذال العصف» بوده که در بازبینیهای بعدی، الف آن پاک شده و واو به رنگ قرمز افزوده شده است.
الرحمن، ۷۸	ذی الجلال	ذو الجلال	— ظاهراً به صورت «ذال الجلال» بوده که در ویرایشهای بعدی حرف «ی» به رنگ قرمز افزوده شده است.
حدید، ۱۰	وکلا وعد الله	کل وعد الله ۱	حجاز و عراق
حدید، ۲۴	فان الله هو الغنی	فان الله الغنی ۱	مکه و کوفه و بصره

جدول شم ۵: اشکال مختلف مشخص کردن رأس آیات

نوع	توضیح	شکل
الف	به صورت نقاط متراکمی که به شکل دایره درآمده است.	
ب	به صورت چند نقطه متراکم که شکل دایره کامل به خود نگرفته است.	
ج	به صورت نقاط متراکمی که به شکل مثلث درآمده است.	
د	به صورت نقاط پیوسته در امتداد آخرین حرف موجود در آیه.	

جدول شم ۶: علائم مختلف تعشیر آیات



جدول شم ۷: علائم مختلف برای تقسیمات بزرگ تر آیات

شرح	شکل
برای شمارش ۱۰۰ آیه	
برای شمارش ۲۰۰ آیه	

منابع

- آلتی قولاچ، طیار، *المصحف الشريف المنسوب إلى عثمان بن عفان: نسخة المشهد الحسيني بالقاهرة*، استانبول، مرکز الأبحاث للتاريخ والفنون والثقافة الإسلامية، ۱۴۳۰ق، ۲۰۰۹م.
- ابن جزری، محمد بن محمد، *النشر فی القراءات العشر*، به کوشش علی محمد ضباع، قاهره، المطبعة التجارية الكبرى.
- _____ *تحرير التيسير فی قراءات الأئمة العشرة*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.
- _____ *غایة النهاية فی طبقات القراء*، طنطا، دارالصحابة للتراث، ۱۴۲۹ق.
- _____ *منجد المقرئين و مرشد الطالبین*، قاهره، المكتبة الأزهریة للتراث، ۲۰۰۸م.
- ابن جتّی، عثمان، *المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات والإیضاح عنها*، به کوشش علی نجدی ناصف و دیگران، قاهره، وزارة الاوقاف، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹م.

- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحيط*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- ابوداود مقرئ، سلیمان بن نجاح، *مختصر التبیین لهجاء التنزیل*، مدینه، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، ۱۴۲۱ق.
- ابوشامه مقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل، *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۵ق.
- ابوعمر و دانی، عثمان بن سعید، *التیسیر فی القرائات العشر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
- _____ *المحکم فی نقط المصاحف*، به کوشش عزت حسن، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- _____ *المفنع فی معرفة مرسوم مصاحف اهل الأمصار*، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- پاکتچی، احمد، «ابن مسعود»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد چهارم، تهران، انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.
- چهری، مجید، «قرائت مختلف از تعبیر ال یاسین در آیه ۱۳۰ سوره صافات و تفاسیر مبتنی بر هر یک از این خوانشها»، *صحیفه مبین*، شم ۵۷، سال بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش.
- دروش، فرانسوا، *سیک عباسی: قرآن نویسی تا قرن چهارم هجری قمری*، ترجمه پیام بهتاش، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۷۹ش.
- دمیاطی، احمد بن محمد، *إتحاف فضلاء البشر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- «دیدار رئیس جمهوری روسیه با رهبر انقلاب»، خبر مندرج ضمن پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، ۲ / ۹ / ۱۳۹۴ش (Online Available at: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=31470>).
- ذهبی، محمد بن احمد، *معرفة القراء الکبار*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الاتقان فی علوم القرآن*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۳۹۴ق، ۱۹۷۴م.
- شعبان محمد اسماعیل، *رسم المصحف و ضبطه بین التوقیف و الاصطلاحات الحدیثة*، قاهره، دار السلام للطباعة و النشر، ۱۴۳۳ق، ۲۰۱۲م.

شکری، احمد خالد، *المیسر فی علم عدّ آی القرآن*، جده، مرکز الدراسات و المعلومات القرآنیة بمعهد الامام شاطبی، ۱۴۳۳ق.

ضباع، علی محمد، *سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الكتاب المبین*، قاهره، المكتبة الأزهریة للتراث، ۱۴۲۰ق.

طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

علی، جواد، *المنصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دار الساقی، ۱۴۲۲ق، ۲۰۰۱م.

غانم قدوری حمد، *المیسر فی علم رسم المصحف الشریف و ضبطه*، جده، مرکز الدراسات و المعلومات القرآنیة بمعهد الامام الشاطبی، ۱۴۳۳ق.

فرماوی، عبدالحی، *رسم المصحف بین المؤیدین و المعارضین*، مكتبة الازهر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۳۹۷ق.

قاضی، عبدالفتاح عبدالغنی، *البدور الزاهرة فی القرائات العشر المتواترة*، بیروت، دار الكتاب العربی.

_____ *بشیر الیسر شرح ناظمة الزهر*، دارالسلام، قاهره، ۱۴۲۹ق.

_____ *نفائس البیان*، المدینة، مكتبة الدار، ۱۴۰۴ق.

قباقبی، محمد بن خلیل، *ایضاح الرموز و مفتاح الكنوز*، به کوشش احمد خالد شکری، عمان، دار عمار للنشر و التوزیع، ۱۴۲۴ق.

حسینی، محمد علی خلف و دیگران، «تعریف بهذا المصحف الشریف»، مؤخره قرآن کریم (المصحف الامیری)، قاهره، ادارة البحوث و النشر بمجمع البحوث الاسلامیة، ۱۳۹۱ق، ۱۹۷۱م.

قرآن کریم (مصحف سن پترزبورگ)، نسخه عکسی موجود در مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران (تصویربرداری شده از مصحف اهدایی رئیس جمهور روسیه به رهبر انقلاب اسلامی ایران — چاپ فاکسیمیلۀ سن پترزبورگ، ۲۰۰۵م).

لسانی فشارکی، محمدعلی، «ابوعمر و دانی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ششم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ش.

مارغنی، ابراهیم بن احمد، *دلیل الحیران*، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، ۱۹۹۵م.

مستفید، حمیدرضا و دیگران، *بررسی علمی تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف*، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش.

_____ و توکلی، مرتضی، *پژوهشی در رسم المصحف*، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن کریم، ۱۳۹۶ش.

«نسخه اهدایی پوتین اصل بود یا فاکسیمیله؟»، ضمن پایگاه تحلیلی خبری دین پژوهی دین آنلاین (در نشانی <http://dinonline.com/doc/news/fa/5791>)، دسترسی در ۴، ۹، ۱۳۹۴ش.

Déroche, François, *Qurans of the Umayyads*, Leiden, Brill, 2014.

Rezvan, E. A., "The Qur'an and its World: VI. Emergence of the Canon: The Struggle for Uniformity," *Manuscripta Orientalia*, 1998, Volume 4, No. 2.

_____ "New folios from Uthmanic Quran I." (Library of administration for Muslim affairs of the republic of Uzbekistan), *Manuscripta Orientalia*, Vol 10, No. 1, March 2004.

_____ "On the dating of an "Uthmanic Qur'an" from St. Petersburg," *Manuscripta Orientalia*, Vol 6, No. 3, September 2000.

_____ "The *Quran* and power in Russia I, manuscript", *Manuscripta Orientalia*, Vol 14, No. 2, December 2008.

_____ "Yet another Uthmanic *Quran* (on the history of manuscript E 20 from the St. Petersburg branch of the institute of oriental studies)", *Manuscripta Orientalia*, Vol 6, No. 1, March 2000.

Taylor, R. E., *Radiocarbon dating an archaeological process*, 1987.